

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری 1

بحث به اینجا رسید که اگر این شخصی که می‌داند دو سجده از او فوت شده، علم دارد که يك سجده از رکعت اخیره است و يك سجده از غیر اخیره. اینجا بحث در این بود که آیا این دو سجده‌ای که حالا باید انجام بدهد به چه کیفیتی انجام بدهد؟ در اینجا دو قول وجود دارد:

«قول اول»: اینکه بگوئیم مثل آن فرع اول بعد از سلام نماز دو سجده را قضا کند و بعنوان القضاء انجام بدهد؛ که مشهور همین را می‌گویند.

«قول دوم»: اینکه بگوئیم بین انجام منافی و عدم منافی فرق وجود دارد؛

یعنی اگر مکلف منافی انجام داده، اینجا نمازش باطل است و باید کلّ نماز را اعاده کند، کما اینکه مرحوم محقق عراقی (ره) در کتاب «روائع الامالی فی فروع العلم الاجمالی» این نظر را دارند و لو در حاشیه‌ی کتاب «العروة الوثقی» نظر دیگری را دارند.

ولی اگر مکلف منافی انجام نداده، اینجا هنوز نمازش تمام نشده، چون يك سجده از رکعت اخیره را نیاورده و لذا این تشهّد و سلامی که داده «وقع فی غیر محلّه» و در نتیجه هنوز داخل نماز است. بنابراین باید تدارک ببیند یعنی:

اولاً: سجده‌ی اخیره را بیاورد و بعد تشهّد و سلام را انجام دهد.

ثانیاً: بعد از سلام، قضای سجده‌ی دیگر را بجای آورد. این قولی است که در مقابل قول مشهور است.

خلاصه اینکه:

مشهور بین انجام منافی و عدم انجام منافی فرقی نمی‌گذارند و می‌گویند چه منافی انجام داده باشد و چه انجام نداده باشد، باید دو سجده قضا کند، اما در مقابل نظر مشهور، بین منافی و عدم منافی تفصیل قائلند، چه اینکه با وجود منافی، نماز باطل است و با عدم منافی هم به همین کیفیت خاصی که الآن بیان کردیم باید آورده شود.

یادآوری 2

منشأ این دو قول این است که قائل به قول اول یا مشهور این سلام را مُخرج از نماز می‌دانند و می‌گویند: ولو در رکعت اخیره يك

سجده‌اش را نیاورده، اما این تشهّدي که خواند و بعد سلام را داد، این سلام مُخرج از نماز است، نمازش را تمام کرده.

اما قائل به قول دوم می‌گوید: این سلام «وقع في غير محلّه» و این سلام مُخرج از نماز نیست و این شخص هنوز در حال نماز است.

این منشأ اختلاف بین این دو قول است. لذا منشأ قولین این است که آیا ما این سلام را مُخرج از نماز بدانیم یا مُخرج از نماز ندانیم؟

یادآوری 3

عرض کردیم که برخی آمدند به این روایت صحیحی حلبی استدلال کردند و گفتند اطلاق این روایت می‌گوید سلام مُخرج از نماز است! که روایت را دیروز بیان کردیم و خواندیم. باز من روایت را می‌خوانم؛ این صحیحی در کتاب «وسائل الشیعة» جلد ششم کتاب الصلاة ابواب سلام باب چهارم حدیث اول صفحه 426 آمده است و سندش از حلبی، از امام صادق (علیه السلام) است و روایت صحیحی است، حضرت (علیه السلام) فرمود: «عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) كُلُّ مَا ذَكَرْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) فَهُوَ مِنَ الصَّلَاةِ وَ إِن قُلْتَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَقَدْ أَنْصَرَفْتَ» یعنی اگر سلام را دادی «انصرفت».

مشهور می‌گویند: این روایت اطلاق دارد، یعنی اگر کسی عمداً این سلام را در هر جای نماز ذکر کرد، این انصراف از نماز بوده و مُخرج از نماز است؛ به عبارت دیگر اگر کسی عمداً در رکعت دوم این سلام را خواند، مُخرج از نماز است، و اگر عمداً در رکعت چهارم این سلام را خواند، مُخرج از نماز است؛ پس اطلاق روایت می‌گوید: اگر مکلف در رکعت چهارم تشهّد را خواند و سلام را داد یعنی گفت: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» در اینجا نمازش تمام شده، حال اگر او يك سجده را فراموش کرده بود باز هم نمازش تمام شده. خلاصه اطلاق روایت این است که می‌گوید: اگر این سلام را عمداً در هر جایی از نماز خواندید نمازتان تمام شده است.

مناقشه امام خمینی (قدس سره) در استدلال به صحیحی حلبی

عرض کردیم که امام خمینی (قدس سره) در رساله‌ی فروع علم اجمالی‌شان یا «الرسائل العشرة» می‌فرمایند: به نظر ما اصلاً این روایت ربطی به ما نحنُ فيه ندارد و این روایت به ردّ عامه نظر دارد؛ چون علمای عامه فتوایشان این است که در تشهّد اول این «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را می‌خوانند و البته اهل سنت این سلام را در تشهّد اول می‌خوانند یعنی «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را می‌گویند.

پس امام خمینی (قدس سره) می‌فرمایند: روایت نظر دارد به این کاری که سنی‌ها می‌کنند؛ پس در همان رکعت دوم با آوردن این سلام، نمازشان را تمام می‌کنند؛ اما اینکه اگر این سلام در رکعت اخیر واقع شود، این روایت نظر به آن ندارد، بلکه روایت به فعل عامه نظر دارد؛ یعنی فعل عامه، آوردن این سلام در تشهّد اول است؛ نظر آن‌ها نسبت به تشهّد اول چنین مطلبی است.

چهار شاهد روایی برای صحت ادعای امام خمینی (قدس سره)

بعد امام خمینی (قدس سره) چهار شاهد بر مدّعایشان ذکر کردند و می‌فرمایند:

«شاهد اول»: ما يك روايتي داريم كه به نام روايت ابي كهمس مشهور است، كه اين ابي كهمس در كتب رجالی از اصحاب امام صادق (عليه السلام) ذكر شده است؛ اما توثيق ندارد و اين روايت در همان سند و مصدري كه قبلاً گفتيم، باب چهارم حديث دوم است. «و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» ابي كهمس از امام صادق (عليه السلام) نقل مي كند؛ «قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ الرُّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ إِذَا جَلَسْتُ فِيهِمَا لِلتَّشَهُدِ فَقُلْتُ وَ أَنَا جَالِسٌ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَنْصِرَافٌ هُوَ قَالَ لَا» ابي كهمس به امام (عليه السلام) عرض مي كند كه اگر من در ركعت دوم در تشهد «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را خواندم آیا اين انصراف از نماز است؟ فرمود نه، «و لَكِنْ إِذَا قُلْتَ» و در ادامه امام (عليه السلام) مي فرمايد: اگر گفتي «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَهُوَ الْإِنْصِرَافُ» اين مي شود انصراف. پس ببينيد اين روايت هم باز نظر دارد به آنچه كه در تشهد اول آورده شده.

«شاهد دوم»: در صحيحه ميسر بن عبدالعزيز است كه اين صحيحه، حديث ششم اين باب است؛ «و حَدِيثُ مُيسِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ» از امام باقر (عليه السلام) كه فرمودند: «شَيْئَانِ يُفْسِدُ النَّاسُ بِهِمَا صَلَاتَهُمْ» امام باقر (عليه السلام) فرموده: اهل سنت دو كار در نمازشان انجام مي دهند كه نماز را با اين كارها باطل مي كنند، «أَحَدُهُمَا قَوْلُ الرَّجُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ يَعْنِي فِي التَّشَهُدِ الْأَوَّلِ» كه حالا اين «يَعْنِي» را شايد خود ميسر ذكر مي كند؛ امام باقر (عليه السلام) مي فرمايد: اينها كه در تشهد اولشان «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» مي گويند نمازشان باطل مي شود و نماز به عنوان نماز چهار ركعتي و نماز عشاء واقع نمي شود.

البته ميسر يك روايت ديگري هم شبيه اين مطلب از امام باقر (عليه السلام) دارد: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُيسِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام)» چون در آنجا هم «شَيْئَانِ يُفْسِدُ النَّاسُ بِهِمَا صَلَاتَهُمْ» آمده است؛ كه اينها ظاهراً يا در تشهد و يا در جاي ديگر مي گويند: «تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ»، كه امام (عليه السلام) مي فرمايد: «وَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ قَالَتْهُ الْجَنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَى اللَّهُ عَنْهُمْ وَ قَوْلُ الرَّجُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، اجنه اين مطلب را گفتند و خداوند متعال آن را از آنها حكايه كرده و اهل سنت هم اين را به عنوان كلام خدا در نماز ذكر مي كنند؟! پس اين هم شاهد دومي بود كه امام خميني (قدس سره) ذكر كردند. (وسائل الشيعة، ج 6 ص 410)

«شاهد سوم»: مرسله صدوق (ره) است؛ در مرسله ي صدوق (ره) در وسائل جلد اول صفحه 410، آنجا نيز همين مطلب را دارد: «محمد بن علي بن الحسين صدوق قال، قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام)» كه اين مراسلات صدوق (ره) مسلماً معتبر است؛ «أَفْسَدَ ابْنُ مَسْعُودٍ عَلَى النَّاسِ صَلَاتَهُمْ بِشَيْئَيْنِ»، ابن مسعود نماز اهل سنت را با دو چيز فاسد كرد؛ «بِقَوْلِهِ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ هَذَا شَيْءٌ قَالَتْهُ الْجَنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا وَ بِقَوْلِهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

«شاهد چهارم»: روايت صحيحه ي فضل بن شاذان (ره) از امام هشتم (عليه السلام) است؛ امام هشتم (عليه السلام) در نامه اي كه به مأمون نوشتند، كه اين روايت در جلد ششم كتاب وسائل الشيعة باب دوازدهم از ابواب تشهد، حديث سوم صفحه 410 آمده است. «وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا (ع) فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ قَالَ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ تَقُولَ فِي التَّشَهُدِ الْأَوَّلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، امام (عليه السلام) به مأمون – چه اينكه گويا مأمون در تشهد اول نمازش اين جمله را مي خوانده، – مي فرمايند: اين درست نيست كه سلام را در تشهد اول مي گوئي، «لِأَنَّ تَحْلِيلَ الصَّلَاةِ التَّسْلِيمُ»، تسليم موجب تحليل است، يعني آنچه كه با تكبيره الإحرام براي مصلّي در نماز حرام مي شود با تسليم حلال مي شود؛ «فَإِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ»، يعني وقتي اين را گفتي معنايش اين است كه تو سلام را دادې و تمام شد.

امام خميني (قدس سره) در نهايت مي فرمايند: با اين مطالبی كه ما ذكر كرديم و اين شواهدی كه ذكر كرديم، نمي توانيم بگوئيم آن صحيحه ي حلي يَك اطلاقي دارد، اطلاقش مي گويد اگر سلام را در آخر نماز آوردي، اين هم باز عنوان مخرج را دارد.

شبهه اول

اینجا يك شبهه پیش می‌آید؛ به اینکه بگوییم چه اشکالی دارد امام(علیه السلام) دو امر را در این روایات صادر فرموده باشند:

«امر اول»: اینکه امام(علیه السلام) ردّ بر عامه کردند، یعنی عامه که در رکعت دوم نماز «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را می‌خوانند؛ امام(علیه السلام) می‌فرمایند: این کار باطل است و نمازشان را فاسد کرده و این به عنوان نماز چهار رکعتی واقع نمی‌شود؛

«امر دوم»: اینکه امام(علیه السلام) يك ضابطه‌ای بیان فرمودند یعنی فرمودند این صیغه، صیغه‌ی سلام است و مخرج از نماز است و اگر کسی در تشهد اوّل آمد این سلام را خواند، مخرج از نماز شده است. پس سلام در تشهد دوم باید به طریق اولی مخرج از نماز باشد.

رد شبهه اول

جواب این است که در ما نحنُ فیه به دو دلیل نمی‌توانیم اولویت بگیریم؛ چون فرض ما در ما نحنُ فیه این است که در این رکعت اخیره يك سجده را نیاورده، اینکه در تشهد اول اگر کسی «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را بگوید، «فَهُوَ الْأَنْصِرَافُ»، مفروضش در جایی است که همه اجزاء دیگر را آورده، در اینجا و در ما نحنُ فیه مفروض این است که يك سجده را نیاورده. الآن اگر کسی بلند شد بنشیند تشهد بخواند، یادش آمد که اصلاً سجده را نیاورده، باید برگردد و هر دو سجده را بیاورد. حالا در ما نحنُ فیه يك سجده را نیاورده، تشهد می‌خواند، سلام می‌دهد، پس ما نمی‌توانیم بگوئیم به طریق اولی این سلام در اینجا عنوان مخرج را دارد.

به عبارت دیگر، آن سلامی که در تشهد اول مخرج است مفروضش این است که سایر اجزاء را آورده و اولویت این است که اگر در رکعت چهارم یا فرض اینکه همه‌ی اجزاء را آورده، هر دو تا سجده را آورده، اگر آمد «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را خواند «فَهُوَ الْأَنْصِرَافُ»؛ اما این غیر از فرض بحث ماست، زیرا فرض بحث ما این است که يك سجده را نیاورده، یعنی فرض ما این است که دو سجده را نیاورده یعنی یکی از آنها سجده اخیره است و دیگری نیز از غیر اخیره.

بنابراین اینجا نمی‌توانیم اولویت را اثبات کنیم. پس کسی به امام خمینی(قدس سره) اعتراض نکند که درست است این روایت رد بر عامه است؛ اما به طریق اولی در ما نحنُ فیه اگر این سلام در رکعت چهارم واقع شد مخرج است و می‌شود به این روایات استدلال کرد! خیر، چنین اولویتی در اینجا وجود ندارد، زیرا مفروض ما این است که يك سجده را نیاورده و سلام داده است. این شبهه اول بود.

شبهه دوم

روایت صحیح‌ه‌ی حلبی و این کاری که عامه انجام می‌دهند، صورتی است که سلام را عمداً انجام می‌دهد، یعنی کسی بعد از تشهد اول عمداً بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»؛ اما آنجایی که سهواً انجام بشود، اینجا شاملش نمی‌شود، اگر کسی در رکعت دوم، - حالا ما باشیم و همین روایات، - سهواً از زبانش «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» صادر شد، این سلام سهوی مخرج نیست؛ لذا این روایات صورت عمدي را می‌گویند؛ اما صورت سهوي را نمی‌گویند.

رد شبهه دوم

البته درست است که این روایات فرض عمدي را می‌گوید اما الان در ما نحنُ فیه این سلامی که در رکعت چهارم داده شده عمدي است. چون فرض این است که الآن کسی تشهد را خواند و عمداً هم سلام داد، اما بعد از سلام فهمید يك سجده از رکعت

اخیره و يك سجده هم از ركعت غير اخيره را نياورده، پس اين سلام در ما نحن فيه عنوان عمدي را دارد و از اين جهت اين روايات مشكلي ندارد؛ يعني كسي نيايد بگويد بحث سهو است و اين روايات اصلاً مورد سهو را شامل نمي‌شود! خير، ما نحن فيه اصلاً بحث سهو نيست و عنوان عمد را دارد.

اشكال استدلال به صحيحه حلي
منتها عرض كرديم كه اين عمدش در جايي است كه بقية الاجزاء انجام شده باشد، ولي در ما نحن فيه نمي‌شود، لذا اين روايت را بايد کنار بگذاريم. حالا آيا با قطع نظر از اين روايات، ما روايات ديگري داريم كه اين سلام را مخرج نماز بدانند؟ حالا كاري به عامه هم نداريم.

كلام مرحوم آيت الله بروجردي(ره)

البته باز قبل از اينكه وارد اين بحث شويم يك كلامي را از مرحوم آيت الله بروجردي(ره) نقل كنيم. ايشان يك مطلبي دارند كه با اين رواياتي كه الان خوانديم سازگاري ندارد! مرحوم آقاي بروجردي(ره) كه به آراء عامه خيلي مسلط بوده، در كتاب «نهاية التقرير» كه مرحوم والد ما(ره) به عنوان تقريرات صلاة مرحوم آقاي بروجردي(ره) نوشته‌اند، در جلد دوم صفحه 309، مي‌فرمايند:

نزد علماي عامه آن صيغه‌اي كه با آن سلام واقع مي‌شود، همان صيغه‌ي سوم است؛ يعني آنها «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را سلام مي‌دانند ولي «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را سلام نمي‌دانند يعني آن را محلّل و مخرج نمي‌دانند و نيز «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را محلّل و مخرج نمي‌دانند.

ايشان مي‌فرمايند: «و قد ظهر لك سابقاً أنّ صيغة التسليم» يعني صيغه‌ي سلام «عند العامة كانت منحصرةً في الصيغة الاخيرة و أما الصيغتان الاوليان فقد كانتا عندهم من تحيّات التشهد» اين را جزء تحيات تشهد مي‌دانند «وكانوا يقولون باستحبابهما قبل الشهادتين» يعني قبل از اينكه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را بگويند، مي‌گويند مستحب است كه بگويند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» و در ادامه مي‌فرمايند كه: «نعم ذهب الشافعي إلي وجوبهما قبلهما» و باز همين مطلبي را كه امام خميني(قدس سره) دارند، البته حتماً مي‌دانيد امام(قدس سره) با آن عظمت علمي كه داشتند، در درس مرحوم آيت الله بروجردي(ره) شركت مي‌کردند، چه اينكه اصول مرحوم آقاي بروجردي(ره) دو تقرير دارد كه يكي از آنها را امام خميني(قدس سره) نوشتند و به نام «لمحات الاصول» چاپ شده است و البته بسيار هم محكم و متقن نوشته‌اند. حال آيا بحث صلاة آقاي بروجردي(ره) را ايشان مي‌رفتند يا نه؟ من اطلاعی ندارم.

اما خود مرحوم آيت الله بروجردي(ره) در «نهاية التقرير» جلد دوم صفحه 309 مي‌فرمايند:

اين روايات، يعني صحيحه حلي و امثال اين‌ها، «و حينئذ فيظهر أنّ المقصود من الأخبار المتقدمة هو الردّ عليهم، بأنّ السلام علينا، يوجب الانصراف في التشهد الأول، و كذا في التشهد الأخير إذا وقع قبل الشهادتين»؛ ببينيد اهل سنت وقتي «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را به عنوان تحيت تشهد مي‌دانند و تحيت را معمولاً قبل انجام مي‌دهند، مي‌فرمايند ائمه مي‌خواهند بگويند شما وقتي مي‌گوئيد: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» نمازتان تمام شده، انصراف حاصل شده، حالا اين روايات ظهور در اين دارد كه اهل سنت اين را به عنوان سلام ذكر مي‌کردند؛ امام(عليه السلام) روي مبناي اماميه مي‌فرمايند: اين سلام است، شما بي‌خود مي‌گوئيد اين تحيت است، اين عنوان سلام را دارد و اين مخرج از نماز است.

ما مي‌خواهيم ببينيم آيا ما دليلي داريم كه اين سلامي كه با اين خصوصيات، يعني فرض كنيم كسي سجده اخيره را فراموش كرد و تشهد را خواند و سلام داد، آيا اين سلام مخرج از نماز هست يا نه؟ امام خميني (قدس سره) به دو تا دليل تمسك كردند كه اين سلام مخرج است:

دلايل امام خميني (ره) بر مخرج بودن سلام

«دليل اول»: اين است كه مي‌فرمايند ارتكاز متشرعه است، به ارتكاز متشرعه كه انسان مراجعه مي‌كند، به ارتكاز خودش هم مراجعه مي‌كند، كسي كه چهار ركعت را خوانده، تشهد را خوانده و سلام داده و يادش افتاد يك سجده در ركعت اخيره نياورده است لذا از او اگر سوال كنيد كه آقا نمازت تمام شد يا خير؟ مي‌گويد بله نمازم تمام شد ولي يادم افتاد كه يك سجده را نياوردم، حالا چكار كنم؟ در ارتكاز متشرعه اين است كه اين نماز تمام شده، اين دليل اول ايشان بود.

«دليل دوم»: دليل دومي كه آوردند، «پنج» روايت است:

«روايت اول»: صحيحه محمد بن مسلم در همين جلد ششم وسائل، صفحه 401 كتاب الصلاة باب هفت حديث دوم، صحيحه محمد بن مسلم است «و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ وَ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَام) فِي الرَّجُلِ يَفْرُغُ مِنْ صَلَاتِهِ وَ قَدْ نَسِيَ التَّشَهُّدَ حَتَّى يَنْصَرِفَ» مردی از نمازش جدا می‌شود، تشهد را یادش رفته، «حَتَّى يَنْصَرِفَ»، یعنی سلام داده و از آن مکان رفته است «فَقَالَ إِنْ كَانَ قَرِيباً رَجَعَ إِلَى مَكَانِهِ»، حالا كه بلند شد و رفت، اگر نزديك جايي است كه نماز خوانده، برگردد اولی است كه همان جايي كه نماز خوانده بنشينند تشهدش را قضا كند، و اگر از جايي كه نماز خوانده يكي دو كيلومتر فاصله گرفته، «وَ إِلَّا طَلَبَ مَكَاناً نَظِيفاً فَتَشَهُّدْ فِيهِ»، يك جاي پاكي را پيدا كند و در آن تشهد بخواند «وَ قَالَ إِنَّمَا التَّشَهُّدُ سُنَّةٌ فِي الصَّلَاةِ»، تشهد سنت در نماز است. شاهد ما در اين روايت چيست؟ اين روايت كه مربوط به تشهد است! اينجا مي‌گوئيم عرف الغاء خصوصيت مي‌كند و مي‌گويد اگر كسي نماز را خواند و تشهد را نخواند و سلام داد، امام (عليه السلام) مي‌فرمايد: اين شخص بايد قضا كند، عين همين مطلب در مورد سجده‌ی اخيره هم هست، يك سجده فراموش شده كه بايد او هم قضا كند، پس از اين جهت فرقي بين تشهد و سجده نيست و الغاء خصوصيت مي‌شود، حالا كه الغاء خصوصيت كرديم نتيجه اين مي‌شود كه سلام موجب و مخرج از نماز است، پس فرقي بين تشهد فراموش شده يا سجده‌ي فراموش شده نيست! اين روايت اول بود.

«روايت دوم»: روايت دومي كه امام خميني (قدس سره) استدلال مي‌كنند حديث «لَا تُعَادُ» است؛ اين حديث خيلي به درد مسئله‌گوها مي‌خورد، همه جا كه لازم نيست يك روحاني برود رساله را ببيند، مردم سوال مي‌كنند كه من در ذكر ركوع نمازم اين طوري گفتم مثلاً يك ذكر باطلاي را گفتم؛ يعني به جاي اينكه بگويم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، گفتم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ»، آيا نمازم باطل است يا خير؟ نه در اينجا نماز باطل نيست به دليل قاعده «لَا تُعَادُ» چه اينكه قاعده «لَا تُعَادُ» مي‌گويد: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطُّهُورِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ» يعني نماز در پنج جا بايد اعاده شود؛ وقت و طهور و قبله و ركوع و سجدين، اما در غير اينها لازم نيست، كه يكي از اينها، همين است به اينكه اگر كسي سجده‌اي را فراموش کرده، قاعده «لَا تُعَادُ» مي‌گويد اين نياز به اعاده نياز ندارد و اين نماز صحيح است و لو سجده اخيره است، اما بايد قضا كند، تشهد را اگر يادش رفته، اخيره و غير اخيره فرق نمي‌كند، اين شخص بايد قضا كند و نمازش صحيح است و نيازي به اعاده ندارد.

«روايت سوم»: ايشان موثقه ابي بصير است و بخاطر اينكه سماعه در طريقتش وجود دارد لذا روايت موثقه است، سماعه هم كه مي‌دانيد واقفي مسلك است، در همين جلد ششم صفحه 403 باب هفتم حديث ششم، «وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَتَشَهُّدَ»، يك مردی فراموش می‌کند تشهد بخواند، «قَالَ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ»، دو تا سجده سهو بايد بياورد، «يَتَشَهُّدُ فِيهِمَا»، تشهدش را هم بايد قضا كند.

این روایت هم دلالت دارد بر اینکه سلام موجب انصراف است، آن وقت ببینید این روایت مطلق است، در رکعت اخیر اگر انسان سجده را فراموش کرده، یا تشهد را فراموش کرده، دلالت دارد سلام موجب خروج از نماز است مطلقاً، یعنی می‌خواهد منافی انجام داده باشد یا انجام نداده باشد، خواه مربوط به اخیر باشد و خواه مربوط به غیر اخیر باشد و خواه وقت تدارک باقی باشد و یا وقت تدارک باقی نباشد، در همه این موارد مطلقاً موجب خروج از نماز است.

«روایت چهارم»: صحیحی «حَكَمُ بْنُ حُكَيْمٍ» است که در جلد هشتم وسائل صفحه 200، ابواب خلل، همین کتاب الصلاة باب سوم حدیث ششم است. «وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ حَكَمِ بْنِ حُكَيْمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ يَنْسَى مِنْ صَلَاتِهِ رَكْعَةً أَوْ سَجْدَةً أَوْ الشَّيْءَ مِنْهَا ثُمَّ يَذْكُرُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ يَقْضِي ذَلِكَ»، قضاء می‌کند، «فَقُلْتُ أَيْ يُعِيدُ الصَّلَاةَ»، نمازش را هم باید اعاده کند؟ «فَقَالَ لَا».

اینجا دقت کنید این صحیح «حَكَمُ بْنُ حُكَيْمٍ» راجع به رکوع هم دارد، اما نسبت به رکوعش روایات دیگر می‌آید آن را از بین می‌برد، که اگر کسی رکوع را یادش رفته باشد باید نماز را اعاده کند، نمازش باطل است، اما ضرری به بقیه‌ی روایت از حیث حجّیت وارد نمی‌کند.

«روایت پنجم»: آخرین روایتی که امام خمینی (قدس سره) تمسّک کردند صحیح «مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ» است که در جلد ششم وسائل صفحه 319 باب چهاردهم، حدیث دوم از ابواب رکوع «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى فَذَكَرَ أَنَّهُ زَادَ سَجْدَةً قَالَ لَا يُعِيدُ صَلَاةً مِنْ سَجْدَةٍ» نماز بخاطر يك سجده اعاده نمی‌شود، جواب مطلق است، يك سجده چه اضافه بشود و چه کم شود، نماز اعاده نمی‌شود «وَيُعِيدُهَا مِنْ رَكْعَةٍ» از يك رکوع اعاده می‌شود.

انصاف این است که حق با امام خمینی (قدس سره) است و از روایت پنجم به خوبی استفاده می‌شود که سلام مُخرج است.

نظر مرحوم آقای بروجردی (ره) در فراموشی دو سجده

يك عبارتی را مرحوم آقای بروجردی (ره) باز در همان کتاب «نهاية التقرير» در همین مسئله دارند که می‌فرمایند: این سلام که در روایات مخرج است، سلامی است که «وقع صحیحاً»، و آنجایی که در این مسئله می‌گویند دو تا سجده را فراموش کرده، الآن کسی دو تا سجده را فراموش کرد، تشهد را خواند، سلام را هم خواند، «و کون السلام محلّلاً و مخرجاً للمصلّي عنها، و موجبا لحلیّة ما حرّمته تكبيرة الإحرام التي هي افتتاح للصلاة»، حکم کجاست؟ «لأنّ هذا الحكم إنما هو فيما إذا وقع السلام صحیحاً لا مطلقاً»، این را در همان صفحه 276 از جلد دوم نهاية التقرير می‌گویند.

نظر امام خمینی (ره)

طبق بیان امام خمینی (قدس سره) باید بگوئیم باز این سلام مخرج است ولو اینکه حضرت امام (قدس سره) می‌فرمایند: در اینکه این مورد را از روایاتی که سلام را مخرج می‌داند، استفاده کنیم - یعنی فرض دوم - خیلی مشکل است، دوباره تکرار می‌کنم؛ کسی دو تا سجده را یادش رفت، در رکعت اخیر، دو سجده را نشست و فکر می‌کرد هر دو را انجام داده، تشهد را خواند و سلام را هم خواند، اینجا در اینکه آیا این سلام مُخرج است یا نه؟ امام خمینی (قدس سره) می‌فرمایند: انصاف این است که این استفاده از ادله «في غاية الاشكال» است و مشکل است، مگر اینکه بگوئیم آن صحیح حلیّی که اول بحث امروز خواندیم اطلاق دارد و آن را هم گفتیم که نظر به ردّ عامه دارد و نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم. اما در آخر باز حضرت امام (قدس سره) می‌فرمایند: حتی در همین جا؛ اگر کسی دو تا سجده را فراموش کرده، بگوئیم الآن تدارک ببیند و بعد تشهد بخواند و بعد سلام بگوید: «لا يخلوا من قوة».

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين